



امام باقر(ع) اصحاب را به فراگیری فقه الحدیث و فهم حدیث دعوت می‌کرد

امام باقر در کنار نقل حدیث اصحاب و ارادتمندان به اهل بیت را به فراگیری فقه الحدیث و فهم حدیث و آشنایی با معارف و معانی حدیث دعوت می‌کردند.

امام باقر در کنار نقل حدیث اصحاب و ارادتمندان به اهل بیت را به فراگیری فقه الحدیث و فهم حدیث و آشنایی با معارف و معانی حدیث دعوت می‌کردند.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه- زینب حسینی روش: امروز سالروز شهادت امام محمد باقر (ع) است بر همین اساس برای واکاوی دوران آن حضرت با حجت الاسلام والمسلمین سید محمدباقر علم الهدی تولیت مؤسسه آموزش عالی قاسم بن الحسن (ع) به گفت و گو پرداختیم که حاصل آن تقدیم مخاطبان می‌شود:

* جایگاه مرجعیت علمی امام محمد باقر (ع) را تبیین بفرمائید:

از مهمترین مسائلی که در ادبیات دینی اسلام در کلام امامیه مطرح شده جایگاه و مرجعیت علمی اهل بیت است که نزد شیعیان از یک موقعیت خاص و برتری برخوردار است براساس اعتقاد امامیه امامت در ادامه رسالت پیامبر بوده و همانگونه که پیامبر اکرم علمش از ناحیه پروردگار عالم تعیین شده امام نیز به جهت آن عصمتی که دارد و باید داشته باشد لذا باید از علوم لدنی و ویژه ای که از ناحیه پروردگار تأمین می‌شود برخوردار باشند تا بتوانند به بهترین شکل سکان هدایت دینی، علمی و اجتماعی جامعه را بر عهده بگیرند تا در گفتار، موضع‌گیری و تصمیم‌گیری‌هایی که دارند دچار خطا و اشتباه نشوند.

دوران امام باقر خفقان بسیار سنگینی از ناحیه بنی امیه در جامعه حاکم بود و بنی امیه تاریخ سیاه واقعه عاشورا را در کارنامه زندگانی خود داشت. البته امام سجاد بعد از واقعه عاشورا با باز کردن درهای عرفان و دینداری حقیقی در مقام غفلت زدایی خاص از چهره مسلمانانی که ادعای دینداری و تبعیت از اسلام داشتند بر آمدند امام باقر نیز به دنبال امام سجاد همین مسیر را ادامه دادند اما یک فرصت بسیار طلایی در اواسط دوران امامت حضرت رخ داد و آن بحث تضعیف حکومت امویان و ایجاد یک اختلاف و نا آرامی‌های اجتماعی و عمومی در امپراطوری عالم اسلام شد و امام نیز از این فرصت به بهترین شکل استفاده کردند تا بتوانند معارف و علوم را در اختیار تشنگان حقایق و معارف اهل بیتی قرار دهند.

* مقابله حضرت با مکاتب مختلف علمی و حدیثی چگونه بود؟

در ایام امامت امام باقر مکاتب مختلف فقهی و حدیثی تولید شده بود و رشد پیدا کرده بودند تا جایی که بسیاری از فرهیختگان و علمای اهل سنت در زمینه نقل حدیث فعالیت می‌کردند و اهل افتاء و فتوا بودند برای مثال مکحول و هشام بن امر و زهری کسانی بودند که در زمینه نقل حدیث کار می‌کردند. اما مشکلی که بین آنها وجود داشت اختلافاتی بود که میان علمای اهل سنت به شدت زیاد بود؛ ریشه اختلاف آنها نیز از همین جا نشأت می‌گرفت که کدام یک از سخنان صحابه را بر دیگری ترجیح دهند برای مثال برخی ابن عباس را بر دیگران ترجیح می‌دادند و بعضی نیز زید بن ثابت را بر سخنان ابن عباس مقدم می‌دانستند.

امام باقر با بلند کردند پرچم حدیث و فقه تلاش کردند در جامعه اسلامی آن زمان کمتر انحراف ایجاد شود و همواره با استدلال‌های قرآنی که نسبت به سخنان برخی صحابه انجام می‌دادند رجحان سخنان صحابه را بر اساس موافقت قرآن معرفی می‌کردند و این تلاش ثمر داد و در حقیقت این اختلافات کمتر می‌شد. البته این بحث و اختلافات عمدتاً در میان مردم مدینه بود و امام باقر نیز چون در مدینه زندگی می‌کردند از این رو حضرت تلاش می‌کردند تا حد امکان مانع این گسترش این انحرافات شوند و در کنار این قضیه امام باقر باید پرچم حق و فقه امامیه را نیز ترویج کنند.

* چالش فرار روی امت اسلام بعد از پیامبر اقدامات برخی از خلفا بود که جلوی نقل حدیث را می‌گرفتند و این کار منشأ سیاسی داشت تا کمتر معارف و بیانات پیامبر منتشر و قرآن‌آنگونه که باید تفسیر شود؛ امام با این موضوع چگونه مبارزه کرد؟

به خاطر عدم انتشار این معارف مردم در حقیقت با حقایق اسلام و اسلام ناب نا آشنا بودند از سوی دیگر یک سری تحریفات وسیع و احادیث ساختگی نیز توسط برخی که خود را منتسب به پیامبر می‌دانستند و خودشان را جز صحابه پیامبر معرفی می‌کردند نشر داده می‌شد برای همین همه این مسائل باعث می‌شد که مردم دچار یک سردرگمی و سرگشتگی شوند و حقیقت

را پیدا نکنند لذا اینجا امام باقر پرچم معارف و هدایت را بلند کرد و این کار را به بهترین شکل انجام دادند تا جایی که بسیاری از روایات جعلی را رد کردند و حتی معیار جعلی بودن حدیث را برای اهل حدیث بیان می کردند و به دنبال تدوین صحیح روایاتی بودند که از پیامبر اکرم رسیده بود.

برای مثال یکی از اصحاب امام که جابر جعفی نام داشت می گوید امام باقر ۷۰ هزار حدیث برای من گفت احادیثی که از خود امام شنیدم و از هیچکس نشنیده بودم؛ با تبیین ۷۰ هزار حدیث در فضای علمی و حدیثی آن زمان تکلیف بسیاری از احادیث جعلی مشخص می شد. در بیان دیگری در پذیرش حدیث پیامبر روایتی از امام باقر است که می فرمایند احادیث پیامبر بسیار سخت و بسیار پذیرش آن دشوار است، کسی نمی تواند به حقیقت آن برسد و بپذیرد مگر فرشتگان مقرب و بنده ای که خداوند قلب او را با ایمان امتحان کرده است بنابراین اگر حدیثی بر شما عرضه شد و قلب شما با آن آرام گرفت آن را شناختید قبول کنید اما آن سخنی که قلبتان از پذیرش آن امتناع کرد آن روایت را به خدا و رسول و اهل بیت پیامبر ارجاع دهید و از آنان کمک بگیرید که آیا این حدیث از پیامبر است یا خیر؟

امام باقر در کنار نقل حدیث اصحاب و ارادتمندان به اهل بیت را به فراگیری فقه الحدیث و فهم حدیث و آشنایی با معارف و معانی حدیث دعوت می کردند و می فرمودند مراتب شیعیان ما را با میزان روایت کردن آنان از احادیث اهل بیت و معرفتشان به عمق روایات شناسایی کنید؛ معرفت همان شناخت است و درایت الحدیث مؤمن را به بالاترین درجه ایمان می رساند. یکی از کارهایی که امام باقر انجام دادند این بود که ایشان به دنبال پرچم داری فقه اسلامی و بعد فقه امامیه بودند و بعد هم به دنبال احیای احادیث نبوی و علوی بودند و در کنار این دو به دنبال احیای معارف قرآنی شدند.

بسیاری از خلفا از تدوین و کتابت احادیث پیامبر جلوگیری می کردند و می گفتند قرآن برای ما کافی است؛ درست است قرآن کافی است اما باید این قرآن را اهل بیت تفسیر و معنا کنند و پیامبر باید بگوید مراد از نزول و معنای برخی از آیات چیست و تأویل آیات قرآن کریم از سوی پیامبر و امام انجام می شود.

*در دوران حکومت های بعد از خلفا، چه برخوردی با احادیث می شد؟

در دوران حکومت بنی امیه غیر از اینکه از تدوین احادیث نبوی جلوگیری می کردند و با همان شعار قرآن برای ما کافی است یک کار دیگر هم انجام می شد و آن هم این بود که هرگز تن به دستورات قرآن و عمل به آن نمی دادند حتی گاهی اوقات برعکس آیات قرآن عمل می کردند و بسیاری از محرمات را مرتکب می شدند و از سوی دیگر از تدوین حدیث جلوگیری می کردند و از سوی دیگر عمل به قرآن را کنار گذاشتند اما باقر یکی از مهمترین کارهایی که کردند این بود که به زنده کردن احکام و دستورات قرآنی اقدام نمودند و هر پاسخ دینی را به قرآن ارجاع می دادند برای مثال در فرمایشی فرمودند آن روایاتی که موافق با کتاب الهی است استفاده کنید و اگر مخالف قرآن است آن را رها کنید در فرمایش دیگری می فرمایند قرآن بر چهار محور اصلی نازل شده که یکی از محورها در رابطه با ما اهل بیت و دیگر اختصاص به دشمنان ما است سومین و چهارمین بخش آن به ترتیب مربوط به واجبات و سنت ها دارد. آنچه از آیات قرآن که اختصاص به فضیلت ها و کرامات است مخصوص ما اهل بیت است.

حضرت با ایجاد انگیزه قرآنی در میان مردم به دنبال آن بود که قرآن را محور زندگی مردم فرار دهند و آنهایی که برخلاف قرآن عمل می کنند و ادعای علم دارند را رسوا کند. حضرت می فرمودند کسی نمی تواند ادعا کند جمیع قرآن اعم از ظاهر و باطنش نزد اوست مگر پیامبر و اوصیای ایشان باشد. برای همین حضرت برای رفع شبهات می فرمود قرآن یکی است و از جانب خداوند نازل شده اما اختلافات قرآنی از سوی روات اعلام شده است.